



بازتاب ابعاد سیاسی جامعه در داستان‌های تمثیلی مرزبان نامه، پنج‌تنترا و

کلیله و دمنه مصور چاپ سنگی موزه ملک**

خدیجه محمودی^۱، حسین منصوریان^۲، حسین پارسایی^۳

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران. kh.mahmoudi18@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

Hosein.mansoorian@yahoo.com

^۳ دکتری تخصصی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران. Hosseinparsaei46@gmail.com

چکیده

بررسی‌ها نشان می‌دهد که داستان‌های موجود در ادبیات کهن ایران، ارتباط نزدیکی با تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه‌ای دارند که آثار در آن‌ها خلق شده است؛ بنابراین از لایه‌لای داستان‌های این آثار می‌توان به چشم‌انداز روشنی از دوره‌های تاریخی آن‌ها دست یافت. مرزبان‌نامه، پنج‌تنترا و کلیله و دمنه از کتب ارزشمند ادبی کلاسیک محسوب می‌شوند که در داستان‌های خود، به بازنمایی روابط گوناگون قدرت در قالب تمثیلی پرداخته‌اند. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است، سیاست در ابعاد گوناگون و به صورت تطبیقی در این آثار بررسی خواهد شد تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که نویسندگان چه ابعادی از سیاست را جلوه داده‌اند و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دیده می‌شود. نتایج حاکی از آن است که سیاست در داستان‌های این کتاب‌ها، در ابعاد متنوعی جلوه‌گر شده‌اند که می‌توان به قدرت و لیاقت حاکمان در امور کشور، ناکارآمدی حاکمان، ایجاد امنیت، کیفیت منابع قدرت و نقش آن‌ها در امور کشورداری، ویژگی‌های طبقات حکومتی و رابطه‌ی جدایی‌ناپذیر دین و سیاست اشاره کرد.

اهداف پژوهش

۱. بررسی تأثیر تحولات سیاسی در مرزبان‌نامه، پنج‌تنترا و کلیله و دمنه مصور.
۲. استخراج نکات مدیریتی و روابط قدرت در مرزبان‌نامه، پنج‌تنترا و کلیله و دمنه مصور.

سؤالات پژوهش

۱. مبانی اندیشه‌های مدیریتی در مرزبان‌نامه، پنج‌تنترا و کلیله و دمنه مصور شامل چه مواردی هست؟
۲. روابط قدرت چه انعکاسی در مرزبان‌نامه، پنج‌تنترا و کلیله و دمنه مصور داشته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۳

دوره ۱۸

صفحه ۵۴۶ الی ۵۶۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۴/۲۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

داستان‌های تمثیلی،

مرزبان‌نامه،

پنج‌تنترا،

کلیله و دمنه مصور سنگی.

ارجاع به این مقاله

محمودی، خدیجه، منصوریان، حسین،

پارسائی، حسین. (۱۴۰۰). بازتاب ابعاد

سیاسی جامعه در داستان‌های تمثیلی

مرزبان‌نامه، پنج‌تنترا و کلیله و دمنه مصور

چاپ سنگی موزه ملک. هنر اسلامی،

۱۸(۴۳)، ۵۴۶-۵۶۴.



[dori.net/dor/20.1001.1](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.296076.1665)

[.1735708.1400.18.43.33.6](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.296076.1665)



[dx.doi.org/10.22034/IAS](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.296076.1665)

[.2021.296076.1665](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.296076.1665)

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری خدیجه محمودی با عنوان «بازتاب ابعاد سیاسی جامعه در داستان‌های تمثیلی مرزبان‌نامه، پنج‌تنترا و کلیله و دمنه

مصور چاپ سنگی موزه ملک» است که به راهنمایی دکتر حسین منصوریان سرخگره و مشاوره دکتر حسین پارسایی در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه آزاد قائمشهر ارائه شده است.

مقدمه

سیاست مجموعه‌ای از تدابیری است که حکومت به منظور اداره امور کشور، آن را اتخاذ می‌کند و هر امری که مربوط به دولت، مدیریت، تعیین شکل، مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد، از مقولهٔ امور سیاسی است. سیاست و مسائل مربوط به قدرت از نخستین مفاهیم در زندگی مدنی افراد در جوامع بشری است که البته به مرور زمان سیر تکوینی را پشت سر گذاشته است. موضوع اغلب داستان‌های تمثیلی که شخصیت‌های اصلی آن‌ها را حیوانات تشکیل می‌دهند، بازنمایی روابط گوناگون قدرت در جوامع بشری است و عملکرد آنان به نحوی با مناسبات دوسویهٔ حاکمان و فرمان‌بران ارتباط می‌یابد. از جمله مهم‌ترین کتاب‌های سیاسی که در قالب داستان‌های تمثیلی به نگارش درآمده، کتاب *کلیله و دمنه*، *مرزبان‌نامه* و کتاب *پنج‌تترا* است. پنج‌تترا از منابع اصلی شکل‌گیری *کلیله و دمنه* به دست ایرانیان هست. کتاب دیگری که در بیان هویت سیاسی به صورت تمثیلی ذکر شده، *مرزبان‌نامه* است. با توجه به نقش مهمی که واکاوی این آثار در بازشناسی روابط قدرت در گذشته دارد، پژوهش دربارهٔ این آثار می‌تواند نکات مهمی را در این باره آشکار سازد. در این پژوهش سعی بر آن است که از میان داستان‌های تمثیلی، به بررسی سه اثر *پنج‌تترا*، *مرزبان‌نامه* و *کلیله و دمنه* از بُعد چگونگی بازتاب سیاست در داستان‌هایشان بپردازیم.

در خصوص پیشینهٔ پژوهش باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشتهٔ تحریر درنیامده است ولی پژوهش‌هایی به بررسی موردی این آثار پرداخته‌اند. در قالب ابعاد سیاست در آثار ادبی می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد. کوشکی، (۱۳۸۱)، مقاله‌ای با عنوان «تعامل ادبیات داستانی و سیاست» و دهقانی، (۱۳۹۰)، مقاله‌ای با عنوان «بررسی کارکرد قدرت و فرهنگ سیاسی در *کلیله و دمنه*» و رهبریان، (۱۳۹۱) مقاله‌ای با عنوان «نقش حیوانات در ادبیات» انجام داده است. با توجه به اینکه جامعه در هر عصری، نقش بسزایی در شکل‌گیری مقام و جایگاه فکری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... در افراد دارد، بازتاب ابعادی نظیر بعد سیاسی، در آثار ادبی هر دوره می‌تواند روزنه‌ای برای شناخت بهتر آن جامعه در دهه‌ها و سده‌های بعدی باشد. همچنین داستان‌های هر نویسنده می‌تواند دریچه‌ای از وضعیت اجتماع آن دوره را در برابر مخاطبان بگشاید. از آنجا که رویکردهای علمی در ابعاد مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... هنوز به‌طور فراگیر، ارتباط خود را با ادبیات مستحکم نکرده‌اند، این پژوهش می‌تواند راهگشای پژوهش‌های رویکردی دیگر در عرصهٔ داستان‌نویسی باشد. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است و برآن است به واکاوی قدرت و مسائل مربوط به آن در *مرزبان‌نامه*، *پنج‌تترا* و *کلیله و دمنه* مصور بپردازد.

۱. داستان تمثیلی

تمثیل در کتب بلاغت قدیم، عموماً شاخه‌ای از تشبیه به شمار می‌رفته که وجه شبه آن از امور متعددی انتزاع می‌شود. «هرچند برخی تمثیل را از زیرشاخه‌های استعاره و مجاز به شمار آورده‌اند» (شیری، ۱۳۸۹: ۳۴)، اما افرادی مانند سکاکی برآنند که «تمثیل تشبیهی است که وجه شبه آن سندی غیرحقیقی برگرفته از امور متعدد باشد»

(فتوحی، ۱۳۸۴: ۱۲). علاوه بر این، شفیعی کدکنی نیز چنین نظری دارد که «تمثیل شاخه‌ای از تشبیه است و از همین رهگذر است که عنوان تشبیه تمثیلی در کتاب بلاغت فراوان دیده می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۷۸). سیروس شمیسا نیز نظری تقریباً مشابه با این افراد دارد: «در تمثیل هم اصل بر این است که فقط مشبه به ذکر شود و از آن متوجه مشبه در تشبیه می‌شویم؛ اما گاهی ممکن است مشبه هم ذکر شود. پس تمثیل بیان حکایت و روایتی است که هرچند معنای ظاهری دارد؛ اما مراد گوینده معنای کلی‌تر دیگری است» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۲۲۶). ارزش داستان‌های تمثیلی در آن است که تمثیل، انتقال مفهوم و بیان غیرمستقیم است به نحوی که تأثیر بیشتری را بر روان مخاطب خود اعمال می‌کند. داستان‌های تمثیلی در دو بُعد نمود یافته‌اند: یکی بعد نزدیک که هسته روایی داستان یا حکایت را تشکیل می‌دهد و دیگری، بعد دور که سطح ذهنی و مفهومی حکایت را می‌رساند و لایه‌های عمیق معنایی پنهان را زیر سطح روایی به کمک نشانه‌ها و قرینه‌هایی به ذهن مخاطب انتقال می‌دهد. باید یادآور شد که «در اغراض تمثیل ارزش‌های زیبایی‌شناختی و هنری آن در اولویت نیستند و وجه تعلیمی آن برجستگی بیشتری دارد» (پارسانسب، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷).

«داستان تمثیلی با منطق تشبیهی و استعارای خود شکلی از انتقال مفهوم و بیان غیرمستقیم است که تأثیر و انفعالات نفسانی بیشتری را بر روان مخاطب خود اعمال می‌کند و بیشتر از یک استدلال و منطق عقلانی عادی ارزش اقناعی دارد» (پارسانسب، ۱۳۹۰: ۱۸). تمثیل پرکاربردترین ابزاری است که در ادبیات و مخصوصاً ادبیات داستانی تعلیمی به کار می‌رود، زیرا «ادبیات تعلیمی از خاصیت اقناعی شگفت‌انگیز تمثیل سرچشمه می‌گیرد که به مراتب قدرت اثرگذاری بیشتری از بیان مستقیم یک معنا دارد و فارغ از ارزش ذاتی خود، آن را در ذهن مخاطب جاگیر می‌سازد» (قائمی، ۱۳۸۶: ۸۵).

۲. معرفی کتاب پنج‌تنترا، مرزبان‌نامه و کلیله و دمنه

پنج‌تنترا کهن‌ترین مجموعه ادبیات تمثیلی موجود در هندوستان هست که تا به حال شناخته شده است. «تاریخ تألیف این مجموعه و نام نویسنده آن نامعلوم است. با این حال نگارش آن را به دست برهمنی ویشنویی در اواخر قرن پنجم میلادی دانسته‌اند» (محبوب، ۱۳۳۶: ۱۹). «واژه «پنج‌تنترا» ممکن است به معنی فصل کتاب قوانین علم و دانش و اثر تعلیمی و مذهبی تعبیر شود و احتمال دارد که منظور از تنترا نیز پنج موضوع مربوط به اصول زندگی باشد. معنی لغت تنترا هر چه بوده باشد، قدر مسلم این است که پنج‌تنترا تعلق به مکتب نیتی شاسترا یا سیاست عاقلانه در روش و اصول زندگی دارد» (شرما، ۱۳۸۵: ۵). پنج باب تشکیل‌دهنده پنج‌تنترا - با صرف نظر از باب «بازجست کار دمنه» که محققین آن را افزوده ابن مقفع می‌دانند - به ترتیب پنج باب متوالی از آغاز متن داستانی کلیله و دمنه امروزی را تشکیل می‌دهد. «این کتاب در عصر خسرو انوشیروان به قلم برزویه طبیب به پارسی برگردان می‌شود و برزویه بر آن باب‌ها و حکایاتی از دیگر منابع هندی می‌افزاید» (جوادی، ۱۳۵۳: ۲۲). «این اثر برزویه در سرآغاز عصر فرهنگ اسلامی توسط عبدالله بن مقفع به زبان عربی ترجمه شد و بر آن نام کلیله و دمنه نهاد» (محبوب، ۱۳۳۶:

۲۰-۲۲). در میان ترجمه‌ها و نگارش‌های آزاد از این کتاب، عالی‌ترین اثر که به نثر فارسی بی‌مانند در سبک و صنایع بدیع ادبی صورت گرفته، روایت «ابوالمعالی نصرالله منشی» است که به تقریب در میانه قرن ششم هجری قمری و در دوران بهرام شاه غزنوی صورت پذیرفته است.

مرزبان‌نامه نام یکی از آثار منشور و مصنوع فارسی است که در سده ششم هجری توسط «سعدالدین وراوینی» نوشته شده است. وراوینی خود در این کتاب معترف است که اصل کتاب به زبان فارسی قدیم طبری توسط شخصی به نام مرزبان ابن رستم نوشته شده و آن را به نثر مصنوع درآورده است. اصل این کتاب به دست محمد بن غازی ملطیوی نیز افتاده و نام آن را روضةالعقول نهاده است. اصل مرزبان‌نامه، آن‌چنان که سعدالدین وراوینی در ابتدای ترجمه خود آورده است، کتابی بوده «به زبان طبرستان و پارسی قدیم باستان» (وراوینی، ۱۳۹۰: ۱۰). «مؤلف این کتاب ارزشمند که داستان‌هایی است از زبان حیوانات، دیوان و انسان‌ها، فردی است به نام «مرزبان بن رستم بن شروین»، از شاهزادگان آل‌باوند که در نیمه دوم قرن چهارم می‌زیسته است» (صفا، ۱۳۸۳: ۱۱۴). «شکل حکومت، تقسیمات کشوری و حتی القابی که آل‌باوند برمی‌گزیدند، بر مبنای روش پادشاهان ساسانی و به خصوص انوشیروان بود» (حکیمیان، ۱۳۴۸: ۴-۵).

کتاب مصور چاپ سنگی کلیله و دمنه با مقدمه‌ای از محمدبن محمدحسین محمودخان ملک‌الشعرا در سال ۱۲۸۲ق، به صورت چاپ سنگی منتشر شد. کلیله و دمنه از آثار ادبی است که منشاء آن به هند باز می‌گردد. این کتاب توسط ابوالعمالی نصرالله منشی در قرن ششم هجری، ترجمه گردید. بیشتر داستان‌های کلیله و دمنه تمثیلی و به زبان حیوانات است. کلیله و دمنه به دلیل ویژگی منحصر به فرد داستان‌سازانه، تعلیمی، نه تنها در ایران؛ بلکه در تاریخ ادبیات جهان از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۱۹). این کتاب ابتدا توسط ابن مقفع از سانسکریت به عربی ترجمه شد. عبدالله ابن مقفع (۱۰۶-۱۴۲ ه.ق) در شهر جور یا گور ناحیه‌ای در فیروزآباد فارس (علبی، ۲۰۰۲: ۱۹-۲۰) متولد شد. اسم وی روزبه و کنیه‌اش ابوعمّر بود. او به زندقّه متهم شد و سرانجام به قتل رسید (بیگی، ۱۳۸۷: ۸۴). ابن مقفع در سایه حمایت بنی‌اهتم بزرگ شد و رشد کرد. بنی‌اهتم اصل فصاحت و بلاغت بود و این فصاحت و بلاغت بنی‌اهتم در ابن مقفع تأثیر شگرف بسزایی گذاشت (ابن مقفع، ۱۴۲۷: ۸-۹). بر این اساس، یکی از سرچشمه‌های انباشت سرمایه فرهنگی در ابن مقفع، تأثیر ادب و بلاغت بنی‌اهتم در او بوده است. ابن مقفع به تیزهوشی، و سعت دانش، کرم و جود و مروّت مشهور بود (همان: ۸-۹). وی از پی‌شویان فن کتابت و اولین کسی است که در میان مسلمانان، به ترجمه کتاب‌های منطق اقدام کرده است. وی برای منصور خلیفه عباسی سه کتاب از آثار ارسطو را در زمینه منطق ترجمه کرد. همچنین ابن مقفع کتاب *المدخل الی علم المنطق* معروف به سیاغوجی را ترجمه کرد. علاوه بر کتاب کلیله و دمنه، می‌توان به کتاب‌هایی نظیر *مزدک* و کتاب *التاج* در سیره انوشیروان اشاره کرد که به ترجمه ابن مقفع درآمده است. کتاب‌های *خدایانک* و *آیین‌نامه* از تألیفات اوست و رسائلی همچون *الادب الصغیر* و *الادب الکبیر*، رساله *الصحابه* (الیتیمه) و اشعاری در کتب حماسه از او نقل شده است (همان: ۱۰). کلیله و

دمنه تلفیقی است از درون‌مایه‌های تعلیمی و اخلاقی و اندیشه‌های سیاسی که در آن دانش و حکمت عملی و طرز زندگی و کشورداری گنجانده شده است (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). نصرالله منشی آن را «کان خرد و حصافت و گنج تجربت و ممارست» می‌نامد (منشی، ۱۳۸۶: ۴۰). غنای مفاهیم و دانش‌های موجود در آن تا بدان درجه است که مأمون فرزندان خود را به آموختن عهد اردشیر و کلیله دستور داد (تفضلی، ۱۳۸۳: ۲۱۸). ابن‌الندیم در ذکر کتاب‌هایی که همگی بر خوبی آن متفقند، از کتاب کلیله نام می‌برد (ابن‌الندیم، ۱۴۱۷: ۱۵۸). فردوسی روایت می‌کند که به خسرو پرویز خبر دادند بهرام چوبینه سرکرده سرکش و یاغی در هنگام تنهایی، کلیله و دمنه می‌خواند. خسرو فرمود: «اکنون کار درازی با او در پیش خواهیم داشت» (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). از این سخن استنباط می‌شود که به احتمال زیاد، اگر کسی کلیله می‌خواند و با رموز حکمت و اندیشه آن آشنا می‌شد، از جنبش‌های متوجه حکومت بود. ملک‌الشعراى بهار در این‌باره می‌نویسد: «هیچ کتابی را سراغ نداریم که مانند این کتاب مستطاب در طول قرون و در نزد ملل مختلف تا این اندازه دوام آورده و مونس ملوک و انیس و سرمشق اخلاق و راهنمای زندگی قرار گرفته باشد» (بهار، ۱۳۷۰: ۲۵۳).

۳. بررسی ابعاد سیاست در داستان‌های تمثیلی «پنج‌تنترا»، مرزبان‌نامه و کلیله و دمنه مصور سنگی

واژه سیاست در لغت تعریف و توضیح گسترده‌ای دارد؛ مثلاً در لغت‌نامه‌های متعدد فارسی معانی مختلفی چون: «پاس داشتن ملک، حراست و نگهداری، حکم راندن بر رعیت، ریاست و داوری، اداره و مراقبت امور داخلی و خارجی کشور، درایت و خردمندی، حسابگری منفعت‌جویانه، شیوه عمل، عقوبت و مجازات و... برای این واژه ذکر شده است» (لغت‌نامه دهخدا، عمید و معین: ذیل واژه سیاست). سیاست، عملی است که همه اشکال رابطه‌های قدرت را در زمان و مکان‌های گوناگون بررسی می‌کند و جهت و چگونگی اعمال این قدرت را می‌نماید. هسته بنیادی این تعریف بر پایه این واقعیت استوار است که «آنچه را همگان سیاست می‌نامند، سیمای گوناگون روابط قدرت در جوامع بشری است» (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۲۹). طبق این تعاریف می‌توان گفت مهم‌ترین عنصر تعیین و اجرای سیاست، قدرت در رأس حکومت است و شناخت آن وظیفه اصلی و اولیه علم سیاست به شمار می‌رود. به بیان دیگر؛ «علم سیاست، علم کسب و حفظ قدرت سیاسی است و قدرت هسته و مرکز ثقل سیاست را به وجود می‌آورد» (عالم، ۱۳۷۳: ۸۸). قدرت و لیاقت حاکمان در امور کشور یکی از ابعاد سیاست است. شیر در داستان اول پنج‌تنترا به‌عنوان پادشاه جنگل شناخته شده است. در داستان‌های این کتاب، اغلب شیر نماد پادشاه است. از این منظر می‌توان گفت که سیاست در جامعه، به صورت تمثیلی در دست کسی است که قدرت برتری دارد؛ در ست مانند قدرت برتر شیر در میان افراد جنگل: «شیر تنها نبود و تعداد زیادی از حیوانات جنگل فرمان‌بردار او بودند» (شرما، ۱۳۸۵: ۲۵). در داستان شیر و شغال و پلنگ و ببر از مجموعه‌ی چهارم کتاب پنج‌تنترا، نجیب‌زادگی و پرهیزکاری شاه نشان داده شده است: «شغال گفت: عالیجناب من تاکنون کنار این کشیک می‌دادم که شما بیایید و آن را بخورید. شیر گفت: متشکرم اما

من تاکنون حیوانی را که دیگری شکار کرده نخورده‌ام، زیرا گفته‌اند کسی که در خانواده خوب و نجیب بزرگ شده باشد، حتی در گرفتاری‌های بزرگ هم تقوا و پرهیزکاری را فراموش نمی‌کند» (همان: ۱۸۰).

در فصل سوم این کتاب که به ماجرای کلاغ‌ها و جغدها اشاره می‌شود، وزرا برای شاه ارزش‌های اخلاقی زیادی را در نظر می‌گیرند و نصیحت می‌کنند؛ از جمله اینکه: «وزیران به شاه می‌گویند عالیجناب چه چیز بهتر از اینکه از روی عدل و داد حکومت کنید. بهتر است شما به آسایش و رفاه زبردستان توجه کنید. عالیجناب، حرف‌های شما درست است، اما مهارت هم لازم است و تنها دانایی و شجاعت کافی نیست» (همان: ۱۵۰).

ناکارآمدی حاکمان، عاملی مخرب برای کشور و از ابعاد قابل بحث در سیاست است. در داستان کلیله و دمنه می‌توان از ناکارآمدی حاکم یاد کرد که فریب دمنه را می‌خورد و به باطن حیل‌گر وی آشنایی ندارد و سریعاً درباره او قضاوت نیک می‌کند. شیر با شنیدن حرف‌های دمنه پیش خود گفت: «این شغال به اندازه کافی دانا و شایسته به نظر می‌رسد» (همان: ۸۹). ناکارآمدی حاکم در ادامه همین داستان، بار دیگر نشان داده می‌شود. زمانی که شیر نعره گاو را می‌شنود، باز هم قضاوت زود هنگام می‌کند: «فکر می‌کنم حیوان گول‌پیکری به اینجا آمده. آن صدا فقط می‌تواند صدای یک موجود قوی و گول‌پیکر باشد» (همان: ۸۹). همین قضاوت‌های زود هنگام، به‌عنوان دریچه‌ای از ناکارآمدی شیر به‌عنوان حاکم در جامعه باعث شده که اطرافیان فریب‌کاری چون دمنه، از این ضعف او سوءاستفاده کنند. بنابراین در این داستان تمثیلی، با جامعه‌ای روبه‌رو هستیم که پادشاه در آن به‌عنوان فردی ناکارآمد و بی‌استقلال، نمی‌تواند از خود شخصیت و هویتی مستقل و مطلوب داشته باشد و به همین خاطر، دوست خوبی مثل گاو را در ادامه داستان از دست می‌دهد و شخصی مانند دمنه که تمثیلی از انسان‌های دغل‌کار روزگار است، روزبه‌روز به قدرت نزدیک‌تر می‌شود: «از این پس می‌توانم گاو را با شیر دوست کنم یا از خود دشمنی برای شیر بتراشم، زیرا شاهی که مشکلی نداشته باشد، نیازی به وزیر ندارد» (همان: ۸۸). در این داستان، شیر بالأخره کلیله و دمنه را به‌عنوان وزیران خود برمی‌گزیند و این دقیقاً ناکارآمدی شاه را نشان می‌دهد که چگونه به راحتی و بدون هیچ آزمایش و راستی‌آزمایی دو نفر را به‌عنوان وزیر خود انتخاب می‌کند.

در داستان دوم از کتاب پنجاه تنترا که درباره به دست آوردن دوستان است، در یکی از حکایت‌ها به ماجرای درختی در نزدیکی شهر ماهی لارو اشاره می‌شود که کبوترانی در آنجا زندگی می‌کنند که به راهنمایی‌های کلاغ توجه نکرده و در نتیجه گرفتار دام شکارچی شده‌اند. در این قسمت، بی‌تدبیری رهبر کبوتران به‌عنوان رهبر یک جامعه کوچک در دل یک جامعه بزرگ در قالبی تمثیلی نشان داده می‌شود. رهبر کبوتران، چندان به سخنان رهبر جامعه‌ی کلاغ‌ها گوش نداد و همه افراد جامعه‌اش گرفتار دام شدند (ر.ک: همان: ۱۱۱). در این داستان، به ویژگی‌های رهبر در یک جامعه اشاره می‌شود؛ رهبری ناکارآمد که مورد تأیید افراد جامعه نیست: «ما رهبری افسانه‌ای داریم به نام سیمرغ که سرگرم کار خویش است و اصلاً به فکر ما نیست. داشتن رهبری افسانه‌ای که فقط از نظر ظاهری هم‌نوع ماست، اما هرگز نگران نیست. گرفتاری‌های ما نیز چه فایده‌ای دارد؟» (همان: ۱۵۱).

در داستان قورباغه‌ها و مار سیاه در باب سوم، قورباغه در قالب تمثیلی، شاه و رهبر یک جامعه است که تصمیم می‌گیرد با وزیرانش به ساحل برود. در ادامه به بی‌تدبیری قورباغه به‌عنوان رهبر آن جامعه اشاره می‌شود که سرانجام هم طعمهٔ مار شد (ر.ک: همان: ۱۶۹).

در داستان شاه و میمون احمق از مجموعهٔ اول کتاب پنجاه تنترا، ناکارآمدی شاه بار دیگر در این داستان نشان داده می‌شود. او هرگز دقت نمی‌کند که چه کسی جزء خدمتگزاران و ندیمان مخصوص شده است. به همین خاطر از همان کسانی که نزدیک او هستند، ضربه می‌خورد. میمون احمقی که به شاه در اثر نادانی ضربه می‌زند و برای اینکه مگس را از شاه دور کند با شمشیر، ضربه‌ای محکم به سینهٔ شاه زده و او را می‌کشد؛ در ست مانند داستان دوستی خاله خر سه: «میمون این بار عصبانی شد، شمشیری برداشت و محکم به مگس زد. پیش از آنکه شمشیر فرود بیاید مگس دور شد، اما ضربهٔ شمشیر سینه‌ی شاه را شکافت و او را کشت» (همان: ۱۰۸). در این قسمت‌ها، بعد تعلیمی داستان نیز این‌گونه رقم خورده که رهبری ناکارآمد، به درد مردم نمی‌خورد و رهبر باید به فکر رفتاری‌های مردم جامعه خویش باشد.

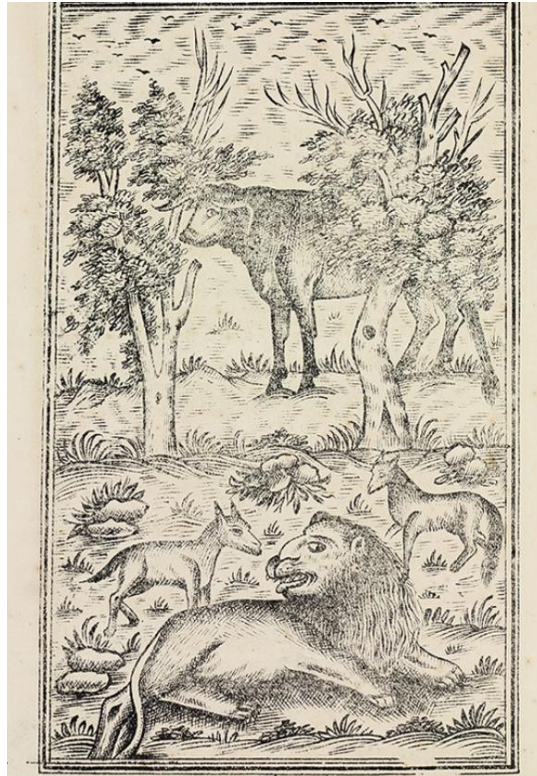
ایجاد امنیت در کشور یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست، یکی از مؤلفه‌های امنیت، پاسبانی و ایجاد آسودگی است. اینکه چه کسانی آسودگی را برای افراد جامعه به وجود می‌آورند، می‌تواند دریچه‌ای از بعد سیاسی یک جامعه محسوب شود. مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف است. دربارهٔ افراد، به معنی آن است که نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند، به‌هیچ‌وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید. در پنج‌تنترا ایجاد امنیت، مهم‌ترین وظیفهٔ حاکم دانسته شده است:

«اگر شاهی نتواند برای مردم با پاسبانی آنان آسودگی فراهم آورد، دورهٔ شاهی او بی‌ثمر است، چون پستان در گردن بز» (همان: ۱۶۷).

کیفیت منابع قدرت در کشور یکی از مسائل مهم در اصول سیاست است. درک ماهیت نقش سیاسی نزدیکان دربار، تنها با در نظر گرفتن رابطهٔ ضروری این نهاد با نهاد پادشاهی، ممکن و میسر است. «یعنی پی بردن به اینکه سیاست در جامعه در دست چه کسی است و این فرد چه ویژگی‌هایی دارد؟»

بالا رفتن قدرت دربار، منجر به ارتقاء حق دخالت آنان در امور مملکت به‌طور غیرمستقیم می‌شود. در این وضعیت می‌توان گفت که قدرت و جایگاه سیاسی دربار به‌طور واضحی ارتقا یافته است. در این راستا، وزیر و نزدیکان دربار یکی از اصلی‌ترین اهرم‌های شاه در ایجاد و حفظ نظام محسوب می‌شوند؛ بنابراین، طبق این تعاریف می‌توان حدس زد که در سه‌چینی و فریب‌کاری‌ها یا کاردانی این گروه و چگونگی قرارگیری آن‌ها در منا صب قدرت، تا چه میزان می‌تواند در عملکرد سیاسی دولت و ملت مؤثر باشد. خیانت اطرافیان شاه برای به دست گرفتن قدرت در این داستان‌ها بسیار مشهود است. در داستان اول پنج‌تنترا، در میان اطرافیان شاه دو شغال بودند به نام‌های کلیله و دمنه که پیش از آن، شغل مشخصی نداشتند. این بود که همیشه اطراف شیر پر سه می‌زدند تا در یک فرصت مناسب

دوباره خود را مشغول گفتگو با شیر کنند و بتوانند مقامی در دربار به دست آورند؛ مثلاً دمنه، زمانی که به برادرش کلیله می‌گفت: «می‌خواهم از قدرت و زیرکی خودم استفاده کنم و شیر را از ترس و وحشتی که دارد نجات دهم. با این کار می‌توانم موقعیت یکی از وزیران شیر را به دست آورم» (شرما، ۱۳۸۵: ۸۸). در کلیله و دمنه مصور چاپ سنگی این روایت تمثیلی به تصویر کشیده شده است. (تصویر ۱)



تصویر ۱: نقاشی شیر و شغال، کلیله و دمنه مصور چاپ سنگی، دوره قاجار. (منبع: نگارنده)

در واقع دمنه به‌عنوان یکی از اطرافیان و نزدیکان شاه، می‌خواست از نقطه ضعف شاه استفاده کند و خود را به دربار و قدرت نزدیک‌تر نماید. در این داستان تمثیلی، پادشاه به ماری مانند می‌شود که می‌توان او را با سخن و سرود افسون کرد. کاری که هدف نهایی کلیله و دمنه نیز همان است و می‌توان برهمین را افسون‌گری دانست که با جادوی داستان‌پردازی در پی کنترل رفتارهای پادشاه است: «شاهان مازند و پرخطر. شاهان عیش‌دوست و مازان دارای کفچه‌اند، یکی خون‌خوار و دیگری کج‌رو، یکی به خواجگان حرم می‌نگرد و دیگری به پوست خود می‌نازد و هر دو را با سخن و سرود مخصوص افسون توان کرد» (همان: ۳۹).

هدف نویسنده در این باب این نیست که موفقیت فرد در طی کردن مدارج سیاسی و اجتماعی را به هر قیمتی درست بداند، بلکه هدف او نشان دادن این مسئله است که پادشاه چگونه مشاوران صدیق و کارآمد خود را از دست می‌دهد و افراد جاه‌طلب با نیرنگ و دروغ، جایگزین آن‌ها می‌شوند و قدرت کشور در دست افراد خائن می‌افتد. به‌عبارت‌دیگر، زاویه‌نگاه به این خیانت و ارتقای درجه‌ای که دمنه می‌یابد، از بالا و از چشم سلطان است؛ لذا باعث عبرت سلطان و جلوگیری از تکرار چنین حوادثی در آینده است، نه از زاویه کارگزاران و آموزش آن‌ها برای خیانت‌ورزی. نمونه دیگری

که در این داستان به نمایش گذاشته می‌شود، این است که دمنه از اطرافیان شاه انتقاد می‌کند و می‌گوید: «من به شما ایرادی نمی‌گیرم. ایراد من به کسانی وارد است که به جای پدرم نشسته‌اند و شایستگی خدمت کردن را ندارند و ما را پیش شما پست و خوار کرده‌اند» (همان: ۹۰).

دقیقاً مشابه عمل و نیت کلیله و دمنه در این داستان را در داستان فرعی پشه و کک از همین مجموعه خواهیم دید. «شب‌ها کک از درز روتختی بیرون می‌آمد و خون شاه را می‌مکید. بی‌آنکه شاه از این دسیسه و توطئه باخبر باشد» (همان: ۹۲-۹۳). این دو داستان، فرصت‌طلبانی را در نزدیکی پادشاه نشان می‌دهند که به او ضربه می‌زنند تا خود بتوانند به قدرتی برسند؛ مانند شخصیت‌های تمثیلی چون پشه و کک و کلیله و دمنه. این کشور هیچ‌گاه با این منابع قدرت، رشد نخواهد کرد و از درون می‌پوسد.

در داستان شیر، شتر، شغال و کلاغ، این حیوانات در جنگلی زندگی می‌کردند که شیر سلطان جنگل بود. زمانی که یک شتر از کاروان جا مانده بود، شغال و کلاغ به شاه گفتند که او گوشت‌اش خوشمزه است. پس او را بکشیم و بخوریم. اما شاه در اینجا هویت خود را به گونه‌ای نشان می‌دهد که پادشاهی عادل است. او می‌گوید: «آن شتر به جنگل آمده و میهمان ماست. من میهمان را نمی‌کشم. او را نزد من بیاور» (همان: ۸۳).

شغال و کلاغ در این داستان هویتی مانند هویت کلیله و دمنه در کنار شیر دارند، آن‌ها نیز همواره در صدد دسیسه‌هایی هستند تا قدرت خود را بالا برده و دیگران را در این راه تلف کنند تا اینکه کسب قدرت برای‌شان آسان شود. در داستان دشمنی کلاغ‌ها و جغدها در مجموعه سوم، شاه کلاغ‌ها متوجه شد که یکی از جغدها جاسوس است و همه آنچه را که دیده بود، به شاه جغدها اطلاع داد. حضور جاسوس در نزدیکی شاه نیز می‌تواند بعدی از هویت سیاسی یک ملت را رقم بزند: «یکی از جغدها که کارش جاسوسی بود، همه آنچه را که دیده بود به شاه جغدها اطلاع داد» (همان: ۱۵۰).

در داستان پنج‌تنترا، دمنه با پادشاه از اهمیت وزیر دانا و سخنور سخن به میان می‌آورد و می‌گوید: «شما به تکه‌های چوب برای خلال دندان‌های‌تان همان اندازه احتیاج دارید که به وزیری دانا و سخنور» (همان: ۹۰). در ادامه، دمنه از اهمیت خدمتکاران شاه می‌گوید: «شاه بدون خدمتکار و خدمتکار بدون شاه نمی‌تواند وجود داشته باشد، زیرا شاه و خدمتکارانش به هم وابسته‌اند» (همان: ۴۰). اهمیت نقش وزیر و مشاوران در کتاب پنج‌تنترا بارها تکرار شده است: «شاهی که وزیران خفته مغز دارد، سرزمینش را از دست می‌دهد» (همان: ۱۶۱). «چگونه کسی که هرگز با دوستان نیک‌خو و دانای خود کنکاش نمی‌کند، کامیاب خواهد شد؟» (همان: ۱۳۴). «شاهانی که به راهنمایی بدنهادان گوش می‌دارند و برای خردمندان ارجی نمی‌نهند، به راهی دشوار و ناگذشتنی پا می‌نهند که پوشیده از موانع و دام‌های بسیار است» (همان: ۸۱). «شخص ناپاک اگر مشاورینی نیک‌نهاد داشته باشد، خود پاکدل می‌گردد» (همان: ۷۳).

تمثیل دیگری نیز وجود دارد که در آن، دمنه خادمان را به زیورات تشبیه می‌کند: «خادمان و زیورها را باید در جای خود به کار برند و پیرایه‌ای که مخصوص سر است، نباید به پای بست... نگین گران‌بها را باید در حلقه زر نشانند»

(همان: ۴۱). در فصل سوم این کتاب که به ماجرای کلاغ‌ها و جغدها اشاره دارد، دو کشور و دو جامعه متفاوت که با یکدیگر جنگ دارند، در قالب تمثیلی نمایش داده می‌شوند؛ جامعه جغدها و جامعه کلاغ‌ها که از دیرباز قاتل نسل دیگری بودند. پادشاه کلاغ‌ها شش وزیر داشت که هر کدام از آن‌ها گرد هم جمع می‌شدند تا بتوانند بهترین راه را برای مبارزه انتخاب کنند (ر.ک: همان: ۱۵۳). مثلاً وقتی شاه پرسید «چگونه بفهمیم که نقاط ضعف دشمنان ما کدام است که از این راه به آن‌ها حمله کنیم، ششمین وزیر گفت: «به وسیله جاسوس‌ها» (همان).

طبقات حکومتی در پنچاتنرا به این صورت قرار گرفته‌اند که: «چهار طبقه (درباریان) بدین شرح بودند: شیر (شاه)، وزیران، ندیمان و جاسوسان. در تمامی بلاد بزرگ و پایتخت‌ها و قصبات و دهات و مراکز دادوستد و کوچ‌نشین‌ها و پادگان‌های مرکزی و باغ‌ها و جنگل‌ها و در میان همه‌ی جماعات نماینده‌ای از جانب شیر وجود داشت و او را در همه‌ی این نقاط نمایندگان و حکمرانان فرمان می‌بردند و در همه‌جا ندیمان از طبقه‌ی متوسط انتخاب می‌شدند و جاسوسان شیر در تمام نقاط پراکنده شده بودند» (همان: ۳۵). قابل ملاحظه است که شیر در این داستان تمثیلی در مقام قدرت برتر، موقعیت ویژه و قدرت فوق‌العاده‌ای دارد و برقراری رابطه‌ی دوستی با وزیر، ناشی از ضعف و کمبود او به حساب نمی‌آید.

هویت دینی یعنی اینکه شخص بداند چه دینی را انتخاب کرده و آن دین چه چیزی از او می‌خواهد تا انجام دهد و چه چیزی را باید ترک کند. بدیهی است که «از پیامدهای تکوین هویت دینی، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای آن مکتب است» (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱). در داستان کلیله و دمنه ماجرای پادشاهی شیر و ترس از یک گاو است و در ادامه، پادشاه از اینکه حیوان بزرگی در جنگل نعره می‌کشد، می‌ترسد. دمنه فریب کار هم برای اینکه از این نقطه ضعف شاه استفاده کند، گاو را فرستاده شیوا و پر قدرت معرفی می‌کند: «او گاو نری است که از شیوا درجه‌ی مخصوصی گرفته. وقتی از او خواستم که به حضور شما بیاید، به من گفت که سرور من شیواست و از من خیلی را می‌خشد و خشنود است. به همین دلیل مرا به ساحل رودخانه فرستاده است تا از علف‌های کنار رودخانه بخورم و لذت ببرم و اینجا را تفریحگاه خود قرار دهم. شیر از شنیدن سخنان دمنه وحشت‌زده شد و گفت: حالا فهمیدم که چرا یک حیوان علف‌خوار در جنگلی که پر از حیوانات وحشی است، بدون ترس و به راحتی می‌گردد و نعره می‌کشد. پس شیوا از او حمایت می‌کند» (شرما، ۱۳۸۵: ۹۳).

در این قسمت از داستان، نویسندگان به اعتقادات هندوها توجه می‌کند. شیوا نیرویی است که به عقیده هندوها دنیا را خراب می‌کند. در برابر شیوا نیرویی است به نام ویشنا که نگهدارنده دنیا است و دورگا هم همسر شیواست. در این داستان از سوءاستفاده کردن از باورهای مذهبی و تأثیر مخرب آن بر سیاست، به صورت تمثیلی استفاده شده است: «دمنه گفت: سرورم، به او گفتم که این جنگل هدیه دورگا به سرور ما بوده است. سرور ما از دورگا درجه و مقام گرفته است. با این حال ایشان مرا فرستاده‌اند تا به تو خوشامد بگویم» (همان: ۹۳). در داستان شغالی که در خمره رنگ افتاد از مجموعه اول کتاب؛ شغال با تغییر رنگ، هویت فردی و اجتماعی‌اش نیز تغییر یافته بود و به نوبه خود این تغییر هویت را می‌توان در آینه هویت دینی نیز انعکاس داد. وقتی شغال دید که همه حیوانات از او می‌ترسند و

فرار می‌کنند، از این ترس سوءاستفاده کرد و سعی کرد از این راه، قدرت و جایگاه بهتری کسب کند. بنابراین، خود را فرستاده خدا خواند تا مورد احترام مردم قرار بگیرد؛ مردمی که خود را درگیر اعتقادات مذهبی بی‌منطق می‌دانند و کورکورانه دست به تقلید می‌زنند، بدون اینکه تحقیقی درباره دین و رهبران دینی خود کنند: «شغال گفت چرا وحشت کرده‌اید و فرار می‌کنید؟ از من نترسید. خدا مرا فرستاده تا شاه شما باشم. من کوکودرما هستم. خدا مرا فرستاده تا تاج‌گذاری کنم و از شما محافظت کنم. بهتر است شما فرمان‌بردار من باشید تا من از شما محافظت کنم» (همان: ۷۸). در داستان شیر و شغال از مجموعه اول، شغال نقشه می‌کشد و شیر را با اعتقادات دینی خود می‌ترساند. شیر در گذشته یک شتر و سپس پسر آن شتر را نیز کشته بود؛ بنابراین، زمانی که یک کاروان دیگر شتر از آنجا رد می‌شدند، شغال برای اینکه از ترس شیر سوءاستفاده کند، نزد شیر رفته و کاروان شتر را نمایندگان الهه مرگ برای انتقام جویی معرفی می‌کند: «صدایی که شنیدی صدای زنگ پدر بچه شتر است که راهنمای الهه مرگ و همراهانش را به عهده دارد» (همان: ۱۰۰). شیر هم دست از خوردن کشید و برای حفظ جاننش از آنجا گریخت. بنابراین تقلید کورکورانه از دین، بدون انتخاب درست و منطقی همواره باعث فریب فرد می‌شود؛ حتی اگر این شخص حاکم باشد همچون شیر.

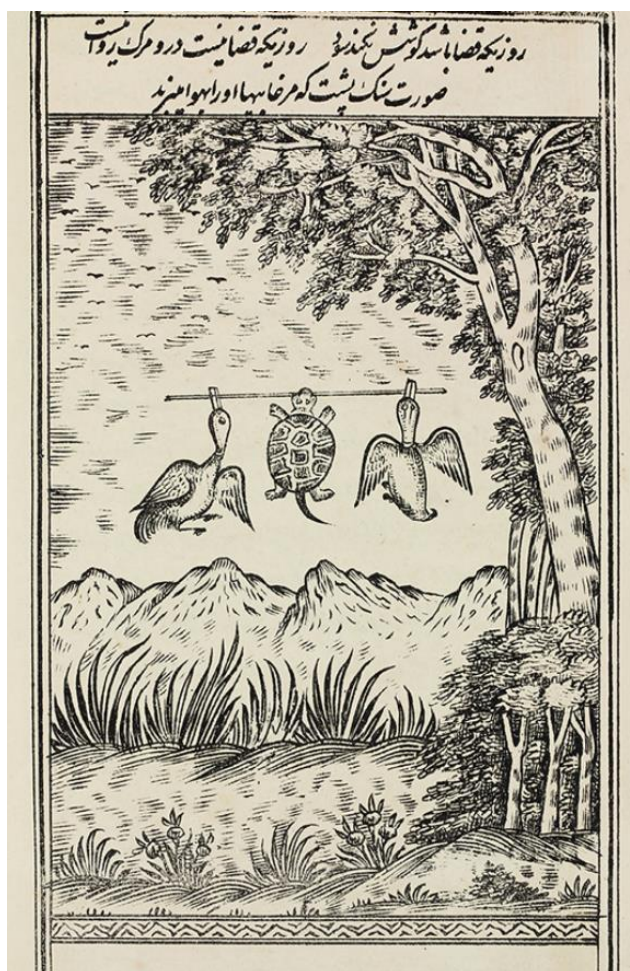
هویت سیاسی در مرزبان‌نامه در ابعاد زیر طبقه‌بندی شده است: ویژگی‌های حاکمان در کشور، قدرت و لیاقت حاکمان در امور. در داستان‌های مرزبان‌نامه، گاه با حاکمانی مواجهیم از جنس سباع که به خاطر مصلحت رعایا و کسب مشروعیت، دست از گوشت‌خواری کشیده‌اند؛ همچون زیرک، سگ شکاری و شیر پرهیزکار. ظالمان در این داستان‌ها به سزای عمل خویش می‌رسند و اصل بر پیروزی شایستگان است، اما تأثیر نیات پادشاه بر اوضاع معیشتی مردم در حکایت «بهرام گور با دهقان» آمده است: این حکایت از آنجا آغاز می‌شود که بهرام گور برای شکار به صحرا می‌رود، اما ناگهان با طوفان و رعدوبرق مواجه می‌شود. خدمتکاران پادشاه در آن تیرگی و تاریکی ناشی از تندباد، متفرق می‌شوند. بهرام در آن ناحیه به‌طور ناشناس به خانه دهقانی ثروتمند می‌رود. میزبان از هویت بهرام بی‌خبر است و لذا آن چنان که باید، او را خدمت نمی‌کند. شبانگاه، شبان از دشت برمی‌گردد و دهقان را خبر می‌دهد که گوسفندان از قاعده همیشه‌گی، شیر کمتری داده‌اند. دختر دهقان حدس می‌زند که «ممکن است امروز پادشاه ما را نیت با رعیت بد گشته است و حسن نظر از ما منقطع گردانیده...» (روایینی، ۱۳۹۰: ۳۹). دهقان تصمیم می‌گیرد به خاطر این پیشامد، خانه‌اش را ترک کند و لذا از غذا و شراب، آنچه باید واگذارد را صرف مهمان تازه‌واردش می‌کند. بهرام از پذیرایی دهقان خشنود می‌شود و چون دل‌باخته دختر دهقان نیز شده است، با خود می‌اندیشد: «چون به خانه روم این دختر را در حباله حکم خود درآورم» (همان: ۴۲) بامداد، شبان از دشت باز می‌آید و از کثرت شگفت‌آور شیر گوسفندان خبر می‌دهد. روایینی از ذکر این داستان چنین نتیجه می‌گیرد که: «این افسانه از بهر آن گفتم تا دانی که روزگار تبعیت نیت پادشاه بدین صفت کند و پادشاه چون خوی کم‌آزاری و نیکوکاری و ذلاقت زبان و طلاق پیشانی با رعیت ندارد، تفرق به فرق رعایا راه یابد و رمیدگی دور و نزدیک لازم آید» (همان: ۴۳). در جای‌جای مرزبان‌نامه، نویسنده فضایی برای شاه ذکر می‌کند؛ البته فضایی که شاه باید داشته باشد. نویسنده، این ویژگی‌ها را از مقتضیات

حاکمان می‌داند. مثلاً در قسمتی از مرزبان‌نامه گفته شده که: «شاه باید رذیلت را از خود دور کند، مانند سفلی و اسراف» (همان: ۴۷).

از ویژگی‌های حاکم در مرزبان‌نامه این است که به رعیت بار می‌دهد. حاکمی که برنامه‌ای برای دیدار با رعیت داشته باشد، معمولاً حاکمی محبوب خواهد بود: «ملک دائماً راه آمد و شد بر ما گشاده دارد» (همان: ۴۳۵).

انتقادپذیری حاکمان (آزادی بیان مردم) از دیگر ابعاد سیاست در مرزبان‌نامه است. یکی از اصلی‌ترین اهداف نگارش مرزبان‌نامه آموزش لزوم وجود آزادی بیان در مقابل حاکم و نتایج مهم آن در امر کشورداری است. رجال سیاسی در این کتاب، گاه بسیار آزادانه زبان به انتقاد می‌گشایند و گستره این انتقاد، همه مسائل مهم حکومتی را نیز دربر می‌گیرد. حاکم در مقابل این آزادی بیان، رنجیده‌خاطر نیست. او در هیچ جای داستان‌های این کتاب، نصیحت‌کننده را سرزنش نمی‌کند و حتی خود مشوق مطرح شدن نقایص دستگاه سیاسی است. اوج این انتقادپذیری را در داستان «شیر پرهیزگار و خرس جاهل» می‌بینیم؛ آنجا که از زبان شیر، پادشاه جنگل آمده است: «امروز از شما می‌خواهم که اگر عیبی بسیار و اندک در نهاد من می‌بینید، یا به سهو و عمد از من فعلی می‌آید که عقلاً یا عرفاً یا شرعاً یا رسماً پسندیده نیست، آن را بر من عرضه دارید و تحفه‌ای بزرگ نزدیک من شناسید که بهترین موجودات و پاک‌ترین گوهر کائنات چنین فرمود که: من عشنا فلیس منّا، یعنی هر که در ذات مبارک ما نشانی از عیب یافت و با ما نگفت و ننمود، از رقم اختصاص ما برونست» (همان: ۴۵۲).

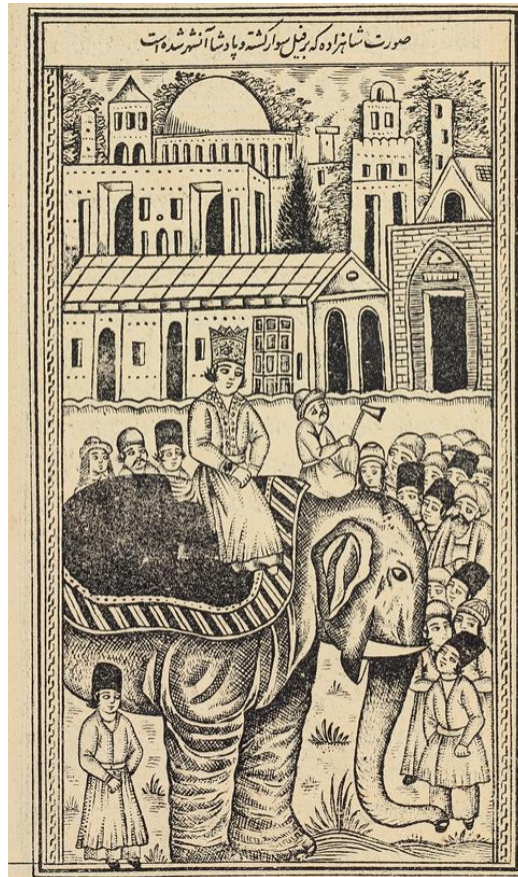
در داستان «عقاب شکارگر و آزادچهر» پرنده دانایی که پادشاه و نقایص حکمرانی او را مورد انتقاد قرار داده، نه تنها مؤاخذه نمی‌شود؛ بلکه به مقام وزارت برگزیده می‌شود (رک: وراوینی، ۱۳۹۰: ۵۳۸). علاوه بر اینها، وراوینی در داستان «مفاوضه ملک‌زاده با دستور» از زبان برادر پادشاه خطاب به او، این چنین لب به انتقاد صریح می‌گشاید: «من چون صحیفه احوال تو مطالعه کردم، قاعده ملک تو مختل یافتم و قضیه عدل مهمل دیدم. گماشتگان تو در اضاعت مال رعیت، دست به اشاعت جور گشاده‌اند و پای از حد مقدار خویش بیرون نهاده. بازار خردمندان کاردان کساد یافته و کار زبردستان به عیث و فساد زبردستان زیروزیر گشته... و این شیوه از نسقی که نیاکان تو نهاده‌اند، دورست و به نژاد پاک و محتد شریف و منبت کریم تو سزاوار نیست» (همان: ۳۰). در کلیله و دمنه م‌صور سنگی نیز پرنده‌ای چون مرغابی نمادی از دانایی است.



تصویر ۲: لاک پشت و مرغابی‌ها، کلیله و دمنه مصور سنگی، دوره قاجار. (منبع: نگارنده)

ناکارآمدی حاکم، عامل بی‌ثباتی حکومت معرفی می‌شود. از جمله عوامل دیگری که در مرزبان‌نامه باعث از بین رفتن مشروعیت حاکمان دانسته شده، ناکارآمدی است: «این افسانه از بهر آن گفتم که تا آنکه معماری این مزرعه به تو مفوض است، نگذاری که بی‌عمارت گذارند و خزانه را جز به مدد رعی که از زراعت خیزد معمو دارند و چون پادشاه برین سنت و سیرت رود و انتهاج سبیل او برین سیرت باشد، لشکر و اتباع را جز اتباع مراسم او کردن، هیچ چاره دیگر نتواند بود» (همان: ۵۳۷). مهم‌ترین داستان ذکر شده در مرزبان‌نامه که فصل جدیدی را در مسائل مربوط به مشروعیت در دوره باستان گشوده و از این جهت بسیار حائز اهمیت است، داستان زیرک و زروی است. در این داستان طولانی که تقریباً یک ششم مرزبان‌نامه را به خود اختصاص می‌دهد، با چگونگی تشکیل دولت به وسیله سگی به نام زیرک مواجهیم. زیرک با حمایت و تشویق بزی به نام زروی قانع می‌شود که برای تشکیل حکومت تلاش کند. در ابتدای کار، تأکید اصلی بر «توانستن» و «همت» است؛ چنان‌که از زبان زروی آمده است: «رأی آنست که چون تو می‌توانی که خود را از پایه کهنتری به درجه مهتری رسانی و از صف‌النعال فرمان‌بری به صدر صفة فرمان‌دهی رسی، به نزالت این مقام رضا ندهی و چه شرم بر مطارح رفعت نهی و دواعی همت بر آن گماری که زمام پادشاهی بر سباع و

سوایم این دشت در دست گیری...» (همان: ۲۵۲). در کلیله و دمنه فیل نماد آگاهی است و در نگاره‌های کلیله و دمنه مصور سنگی در کنار شاهزاده آمده است. (تصویر ۳)



تصویر ۳: شاهزاده سوار بر فیل، کلیله و دمنه مصور سنگی، دوره قاجار. (منبع: نگارنده)

در داستان زیرک و زروی، در فقره مهمی از این داستان طولانی، خرگوشی که دارای ذکاوت و هوشی فوق‌العاده است به قبول پادشاهی زیرک از جانب بقیه جانوران اعتراض می‌کند و زیرک را فاقد لیاقت ذاتی و نسب لازم برای پادشاهی می‌داند: «عجب از شما ابلهان نادان می‌دارم که بی‌اندیشه بر چنین کاری اجماع و اتفاق روا می‌دارید و نمی‌دانید که مردم هنگام مداجات چون به مهاجرات یکدیگر را بنکوهند، به سگ مانده کنند و به خساست و فرومایگی او مثل زنده و او در گوهر خویش چنان ناقص افتاده است که صاحب شریعت دهان زده او را از روی استنکاف به هفت آب و خاک شستن فرماید و جلد او به هیچ دباغت حکم طهارت نگیرد و ردیلتی که در آب و گل و طینت او سرشته‌اند، به هیچ فضیلتی زایل نشود... و از لوازم استعداد پادشاهی، اول، نسبی طاهر است که اگر ندارد، هر چه ازو آید، به نوعی از نقصان آلوده تواند بود، چه هرگز از منبت سیر و راسن، یاسمین و سمن نروید و از مغرس خیزران، خیری و ضیمران بر نیاید» (همان: ۳۰۷).

در مرزبان‌نامه، آبادانی و رضایت رعیت برای ثبات حکومت شرط است: «تا آنکه معماری این مزرعه به تو مفوض است، نگذاری که بی‌عمارت گذارند و خزانه را جز به مدد ربیعی که از زراعت خیزد، معمور دارند و چون پادشاه برین سنت و

سیرت رود. رعیت ایمن و ملک آبادان و خزانه مستغنی ماند» (همان: ۵۳۷). در داستان زیرک و زروی، زیربنای شکل‌گیری حکومت ایجاد حس امنیت است. زیرک به توصیه زروی دست از گوشت‌خواری می‌کشد تا دیگر جانوران در شرایط ناامن جنگل، در پناه امان او گرد آیند: «جلب نظر و رضایت خلق توسط پادشاه، اولین قدم در تشکیل این حکومت است. جمله جوارح وحوش و ضواری سباع در قید اتباع آیند و منقاد و مطوع اوامر تو گردند و این معنی چنان شاید بود که یک چندی از خوی درندگی و سگ‌صفتی بازآیی و از گوشت‌خواری و خون‌آشامی توبه کنی تا صیت کم‌آزاری و نام نکوکاری تو در انحا و ارجای گیتی سفر کند...» (همان: ۲۵۴-۲۵۵). «زیردستان و رعایا در اطراف و زوایای مدرک جملگی در کنف امن و سلامت آسوده مانند و کافه خلایق به اخلاق او متخلق شوند» (همان: ۴۶). «بدان ای ملک که ایزد تعالی تو را رعیت و مراعی مصالح ایشان کرده است» (همان: ۲۰۲).

یکی دیگر از شرایط ثبات حکومت در مرزبان‌نامه که از خلال داستان‌ها مشخص می‌شود، لزوم مشورت‌خواهی حاکم از افراد کاردان است: «اکنون می‌خواهم که کلمه‌ای چند از ضوابط امور مصلحتی فیما یتعلق بمنظم الدین و الدنیا و معاصم الاخره‌ی و الاولی بگویی تا آن را کار بندم و بدان منتها پذیرم» (همان: ۵۳۵). در مرزبان‌نامه چند داستان وجود دارد که در آن پادشاه، به مشورت عقلا عمل نمی‌کند و در هر مورد نتیجه بی‌توجهی‌اش را می‌بیند که باعث می‌شود ارکان حکومت سست شود. داستان مربوط به باب «مناظره دیو گاوپای با دینی» است. در این داستان، دیو گاوپای که ریا ست بقیه دیوان را بر عهده دارد، در صدد مقابله با مردی زاهد به نام دینی بر می‌آید. گاوپای سه وزیر دارد. نظر وزیر خردمند و عاقل او این است که از مخالفت و مقابله با دینی، تا زمانی که ایام دولت و هنگام اقبال او ست، احتراز کند، اما گاوپای نظر او را نمی‌پذیرد و با دینی مناظره‌ای طولانی انجام می‌دهد که سرانجام شکست می‌خورد. پس از آن بر اساس عهده‌ی که در ابتدا بسته بودند، دیوان به اجبار از میان انسان‌ها می‌روند و در زمین محبوس می‌گردند. داستان سوم مربوط به «باب شاه شیران با شاه پیلان» است. در این داستان، شاه پیلان قصد جنگ با شاه شیران و تسخیر سرزمین سرسبز او را دارد. وزیر دوراندیش او که «هنج» نام دارد، با این تصمیم شاه مخالف است و سعی می‌کند او را منصرف کند، اما وزیر خودبین و مغرور او «زنج»، پادشاه را به جنگ ترغیب می‌کند. در نهایت شاه پیلان وارد جنگ می‌شود و هلاک می‌گردد:

«هنج گفت: پادشاهان به تأیید الهی و عقل توفیقی مخصوصند و زمام تصرف در مصالح و مفاسد و مسرات و مسائات در دست اختیار ایشان بدان جهت نهاده‌اند که دانش ایشان به تنها از همگنان علی‌العموم بیش باشد و اگر چه نص و شاورهم فی‌الامر، هیچ پادشاه مستبد را از استضائت به نور عقل مشاوران و ناصحان مستغنی نگردانیده است، اما به وقت تعارض مهمات احوال و تنافی عزمات هم به رأی پاک ایشان از برون شو کارها تفصی بهتر توان یافت» (همان: ۳۴۳). البته در مرزبان‌نامه، برتری رأی پادشاه، جلوه‌ای ویژه دارد، اما شرایط مشورت با نزدیکان خردمند نیز دارای اهمیت است. به دو نمونه‌ی دیگر برتر شمرده شدن رأی پادشاه بر دیگران که در مرزبان‌نامه در قالب تمثیلی آمده است، اشاره می‌کنیم: «و دانم که این جمله رأی منیر شاه را از آن روشن‌تر باشد که به تقریر محتاج شود» (همان: ۳۸۹). «باین همه رقعہ اختیار به دست تُست. من از روی عقیدت دین، به نصیب نصیحت رسیدم و کار به رأی مصیب

ملک باز گذاشت» (همان: ۳۹۰). در این داستان از قضا رأی ملک، مصیب نیست و عاقبت شومی دارد. مثلاً در ضرورت مشورت شاه با نزدیکانش در باب دیو گاوپای و دینی می‌خوانیم که دیو، دیرهنگام تصمیم گرفت با سه وزیر خود به مدت زیادی مشورت کند (ر.ک: همان: ۲۱۷).

همه حکومت‌ها در قدیم به صورت موروثی بودند. هر حاکم که از دنیا می‌رفت، پسر بزرگاش جانشین وی می‌شد. در مرزبان‌نامه هم بارها به این موضوع برمی‌خوریم: «چون شروین درگذشت طبیعت بر سر پسر بهترین کردند» (همان: ۴۰). «ملک از دارالغرور دنیا به سرای آخرت پیوسته و سریر ملک و مهتری به فرزند مهترین او سپرد» (همان: ۱۷۴). «از آنجا که پادشاه اختیارات تام داشت، بنابراین خانواده سلطنتی همیشه در طمع بودند که جانشینی را نصیب خود کنند» (همان: ۴۰). یا مثلاً در باب دوم، شاهزاده از پدر در حال مرگش می‌خواهد که مسئله جانشینی را حل‌نشده باقی نگذارد (ر.ک: همان: ۱۲۴). اساساً کتاب مرزبان‌نامه با صحنه مرگ پادشاه طبرستان و پادشاهی پسر بزرگ‌تر آغاز می‌شود. هرچند پسر کوچک‌تر یعنی مرزبان به لحاظ کاردانی و عقل‌ورزی، آشکارا در مرتبه بالاتری از برادر خود قرار دارد. داستان دیگری که در آن حاکمیت موروثی تصویر شده است، داستان ملک نیکبخت است که در انتهای عمر به گفتگو با شش فرزند خویش می‌پردازد و وصایایی خردمندانه برای آن‌ها دارد.

نوع دیگر دست‌یابی به حاکمیت که البته موردی استثنایی و جالب‌توجه است، انتخاب حاکمان توسط مردم است. این مورد در مرزبان‌نامه این‌گونه آمده است: «شهریار گفت: به زمین بابل رسمی قدیم و قاعده‌ای مستمر بود که زمام عزل و تولیت پادشاه به دست رعیت بودی. هر وقت آن را که خواستندی و قرعه اختیار برو افتادی، به پادشاهی نشانندی و چون خواستندی، معزول کردندی. یکی را به پادشاهی نشانده بودند... روزی چنان که عادت ایشان بود برو متغیر شدند و تغییر پادشاهی او کردند و دیگری را بر جای او بنشانند...» (همان: ۳۷۰). در مرزبان‌نامه، شیر مجموعاً در سه داستان حضور دارد و در همه آن‌ها حاکم است.

تئوری سیاسی ایران باستان که به ساختار حکومت مشروعیت می‌بخشید، فره ایزدی بود. فره یا فره (به پهلوی خوره) یک هستی مینوی تلقی می‌شد که آفریده مزدا بود و هنگام تولد به انسان‌ها می‌پیوست و هر کس درخور خویش از آن بهره‌ای داشت. فره بزرگان پایگاه برتری داشت؛ از این رو آن را والاتر می‌دانستند. «در او ستا از چند فره به ویژه نام برده شده است: فره ایرانی، فره کیانی و فره زرتشت» (مقدم، ۱۳۸۰: ۱۵). فره ایرانی، فره همگانی تصور می‌شد که برای کسانی که در مسیر راستی گام می‌نهادند، نیرودهنده و پیش‌برنده بود، اما فره کیانی مخصوص پادشاهان و بزرگان قوم بود که سرنوشت مردم را در دست داشتند. فره در خدمت آن‌ها بود تا برای بهروزی و نیک‌بختی مردم خود بکوشند و در صورتی که پای از راه راستی بیرون می‌گذاشتند و بیدادگری می‌کردند، فره از آن‌ها جدا می‌شد و آن‌ها را رها می‌کرد. در مرزبان‌نامه بر دیانت توأم با سیاست حاکمان تأکید می‌شود. حاکم باید مورد تأیید الهی و دارای فره ایزدی باشد که البته در هویت دینی به این مبحث پرداخته می‌شود، مانند: «پادشاهان به تأیید الهی و توفیق آسمانی مخصوص هستند و ضائم تصرف در مصالح و مفاسد در دست اختیار ایشان بدان جهت نهادند که دانش ایشان به تنهایی از دانش همگان‌العموم بیش باشد» (همان: ۴۶۲). «پادشاهان برگزیده آفریدگار و پرورده پروردگارد و آنجا که مواهب

ازلی قسمت کردند، ولایت الهی به خرج رفت. اول همان سلطنت سایه بر پیغمبران افکند. پس بر پادشاهان پس بر مردم دانا» (همان: ۵۷).

اعتقاد به فره ایزدی هم در این بخش جای می‌گیرد: «امروز به پرتو فره ایزدی پادشاهی در آینه فرست خویش چنان بینم» (همان: ۳۱۹). می‌توان گفت نظریه فره ایزدی پادشاه، به‌طور کلی در کتاب مرزبان‌نامه پذیرفته شده است و در چند فقره از این کتاب، نشانه‌های آن قابل ملاحظه است. وراوینی در فقره‌ای دیگر در توصیف شاهزاده‌ی ارشد، این چنین می‌نگارد: «اسرار فرّ یزدانی از اساریر جبهت او اشراق کردی و نور نظر الهی از منظر و مخبر او سایه بر آفتاب انداختی» (همان: ۶۵). و نیز: «پادشاهان برگزیده آفریدگار و برآورده پروردگارند و آنجا که مواهب ازلی قسمت کردند و ولایت ورج الهی به خرج رفت، اول سایه‌ی همای سلطنت بر پیغمبران افتاد، پس بر پادشاهان، پس بر مردم دانا» (همان: ۳۶). و در بخشی از این کتاب، نور ذاتی پادشاه در مقایسه با سایر مردم در توصیفی زیبا به نور خورشید به چراغ افروخته تشبیه شده است: «پادشاه به آفتاب رخسندماند و رعیت به چراغ‌های افروخته. آنجا که آفتاب تیغ زند، سنان شعله سر تیزی نکند، در مقابله انوار ذاتی او نور مستعار باز سپارد. همچنین چون پادشاه آثار سجاحت خلق خویش پیدا کند و نظر پادشاهی به رعیت تعلق گیرد، ناچار تخلّق ایشان به عادات او لازم آید و عموم خلل در طباع عوام صفت خصوص پذیرد و گفته‌اند: زمانه در دل پادشاه نگرد تا خود او را چگونه بیند. به هر آنچه او را میل باشد مایل گردد. حکمت: اذا تغیر السلطان تغیر الزمان، و گفته‌اند تا ایزد تعالی دولت بخشیده از قومی باز نستاند، عنان عنایت پادشاه از ایشان باز نگرداند» (همان: ۳۷).

نتیجه‌گیری

داستان در همه فرهنگ‌ها و همه زمان‌ها، ابزاری برای نشان دادن اهداف، تمایلات و تعارض‌ها و در نهایت، نشان دادن هویت بشر و جامعه بوده است. هدف خلق شخصیت‌های تمثیلی هر دو نویسنده در قالب حکایات و داستان‌ها، انسجام صفات برآمده از زمینه‌های فردی، خلقی، شخصیتی هم‌زمان با جنبه‌های انگیزشی، علایق، ارزش‌ها، نگرش‌ها در مواجهه با زمینه سیاسی در جامعه است. مرور حوادث داستان به خواننده کمک می‌کند تا سیاست را در ابعاد گوناگون، واضح‌تر ببیند. کنش‌ها، گفتگوها و سایر ابعاد فردی، اجتماعی، فرهنگی و... در شخصیت‌های داستانی، نوع جامعه شکل‌گرفته در قالب داستان تمثیلی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از پررنگ‌ترین ابعاد نمایش داده شده در هر دو داستان، بعد سیاسی بوده است که به مرتبه حاکمان و مسئله کیفیت منابع قدرت و ویژگی‌های اخلاقی حاکمان اشاره داشته است؛ یعنی پی بردن به اینکه سیاست در جامعه در دست چه کسی است و این فرد چه ویژگی‌هایی دارد؟

مثلاً در پنج‌تنترا اشاره به قدرت و اخلاق نیک برای شیر که مختص پادشاه است یا به ماجرای کلاغ‌ها و جغدها اشاره می‌شود. وزرا برای شاه ارزش‌های اخلاقی زیادی را در نظر می‌گیرند و نصیحت می‌کنند. یا اینکه می‌توان از ناکارآمدی حاکمانی یاد کرد که فریب حرف‌های انسان‌های فریب‌کاری نظیر دمنه را می‌خورند و به باطن مکار و

حیله‌گر آنان آشنایی ندارند. همچنین خیانت اطرافیان شاه در این داستان‌ها نیز بسیار مشهود است. حاکم در مرزبان‌نامه دارای ویژگی‌هایی است که در زیرمجموعه ابعاد سیاسی جای گرفته است. مثلاً در داستان‌های مرزبان‌نامه گاه با حاکمانی مواجهیم از جنس سباع که به خاطر مصلحت رعایا و کسب مشروعیت دست از گوشت‌خواری کشیده‌اند؛ همچون زیرک سگ شکاری و شیر پرهیزکار. یا ناکارآمدی حاکمان، عامل بی‌ثباتی حکومت معرفی می‌شود. در مرزبان‌نامه بر دیانت توأم با سیاست حاکمان تأکید می‌شود. پادشاه باید مورد تأیید الهی و دارای فره ایزدی باشد. علاوه بر این، انتخاب حاکمان به وسیله مردم یا به‌طور موروثی است. در تطبیق این دو اثر می‌توان به این نتیجه رسید که در هر دو اثر: ۱. از ویژگی‌های مثبت و منفی حاکمان یاد می‌شود. ۲. بر رابطه دین و سیاست تأکید شده است. ۳. نقش کیفیت منابع قدرت در وضع حکومت مؤثر دانسته شده است. همچنین شیوه انتخاب حاکمان به وسیله مردم یا به‌طور موروثی، تنها در مرزبان‌نامه عنوان شده و ترتیب طبقات حکومتی نیز تنها در پنج‌تنتره بازتاب داده شده است.

منابع

کتاب‌ها

- ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۷۰). *مبانی سیاست*، تهران: توس.
- اشمیت، کارل. (۱۳۹۳). *مفهوم امر سیاسی*، ترجمه یاشار جیرانی و دیگران، تهران: فروزان.
- آقابخشی، علی. (۱۳۷۹). *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار.
- پارسا نسب، محمد. (۱۳۹۰). *داستان‌های تمثیلی - رمزی فارسی*، تهران: چشمه.
- تقوی، محمد. (۱۳۷۶). *حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی*، تهران: روزنه.
- حکمت، علی اصغر. (۱۳۶۱). *امثال قرآن*، تهران: بنیاد قرآن.
- حکیمیان، ابوالفتح. (۱۳۴۸). *علویان طبرستان*، تهران: الهام.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شرما، ویشنو. (۱۳۸۵). *پنج‌کلیله*، تصحیح دکتر جلال نایینی و دیگران، تهران: اقبال.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۰). *صورخیال در شعر فارسی*، تهران: انتشارات آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). *معانی و بیان ۲*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۳). *خلاصه تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران تا پایان عهد صفوی*، تهران: امیرکبیر.
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۳). *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۴). *بلاغت تصویر*، تهران: انتشارات سخن.
- گویارد، ام. اف. (۱۳۷۴). *ادبیات تطبیقی*، ترجمه خان محمدی، تهران: پازنگ.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۳۶). *درباره کلیله و دمنه*، تهران: خوارزمی.
- وراوینی، سعدالدین. (۱۳۸۷). *مرزبان‌نامه*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات صفیه علی شاه.

مقالات

- جوادی، حسن. (۱۳۵۳). «طنز و انتقاد در داستان‌های حیوانات»، *مجله الفبا*.
- حدیدی، جواد. (۱۳۵۱). «ادبیات تطبیقی و پیدایش و گسترش آن»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. سال هفتم. شماره ۵۱، صص ۶۲-۲۸.
- ساجدی، طهمورث. (۱۳۷۷). «ادبیات تطبیقی»، *معارف*، شماره ۵۵، صص ۲۸-۲۱.
- شیری، قهرمان. (۱۳۸۹). «تمثیل و تصویری نو از کارکردهای آن»، *کاوش‌نامه*. شماره ۲۰، صص ۳۳-۵۴.
- قائمی، فرزاد. (۱۳۸۶). «نقش فلسفه تمثیلی در داستان‌پردازی‌های مولانا در مثنوی»، *پژوهش‌های ادبی*، شماره ۱۶، صص ۱۹۸-۱۸۴.
- کلانتری، عبدالحسین؛ عزیزی، جلیل و زاهد زاهدانی، سعید. (۱۳۸۸). «هویت دینی و جوانان»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۴۱-۱۲۵.